

عنوان و نام پدیدآور :	چاه نكن بهركسى / پديدآورنده و تصويرگر دبستان علوى شماره ۲.
مشخصات نشر :	تهران: آثار سبز، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهرى :	۲۴ ص: مصور (رنكى).
فروست :	نردبان عبرت: ۹.
وضعيت فهرست نويسى :	فيا
يادداشت :	كروده سنى: ج.
موضوعات :	داستانهاي کوتاه
موضوع :	احاديث شيعه
موضوعات ديگر :	داستانهاي آموزنده
شناسنامه زوده :	موسسه فرهنگي علوي، دبستان علوي شماره دو
ردد بندي ديگر :	۱۳۹۲ ۲۴ چ ۸۰۸۰۸۳
شماره كتابشناسي ملي :	۳۴۱۹۴۰۵

انتشارات آثار سبز

نردبان عبرت ۹؛ چاه نكن بهركسى

نويسنده و تصويرگر: مدرسه علوي

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

تيراژ: ۲۰۰۰ نسخه

آدرس: تهران - بلوار اندرزگو - كوچه هاشمي - پلا ۱ / ۱

تلفن: ۰۰۹۸۹۱۲۱۰۸۱۷۶۴

شماره استاندارد بين المللي كتاب(شابك): ۵-۰۱-۷۴۴۱-۶۰۰-۱

همه حقوق چاپ و نشر براي ناشر محفوظ است

بها: ۳۵۰۰۰ ريال



یا اهداء سلام و سلامتی به فرزندان عزیزم

رسول مكرم اسلام صلى الله عليه و آله و سلم می فرمایند:

"عبرت بگیر که در میان پیشینیان شما درص های عبرت است."

نمی دانم چه من به شخص بزرگی برخوردی که عظمت او بزرگی او آن قدر زیاد باشد که

بی اختیار در مقابل او خویلی کوچک و کوچکتز ببینی؟

داستان پلای نهم را خوب بخوان، یک انسان چه قدر می تواند بزرگ باشد؟

او می گوید: برای من و خانوایم فخر ندارد که گاهو مرعوب یا نامرعوب باشم، برای این

بزرگوار مهم این است که چه طور مرعوب به این مرد بیچاره کمک کرد؟

آیا ما هم همین طور هستیم؟ یا!

داستان را خوب بخوان، در حدیث داستان و معنی آن خوب دقت کن!

برای بزرگ شدن باید کارهای بزرگ کرد. او نمی خواهد کسی بفهمد ولی به طور اتفاقی

شاگردش دید و در مقابل این همه بزرگی و گذاشت حیران و سراسیمه ماند! ببینم، عزیزم این

یک بخت، یک عبرت و یک درس بسیار بسیار زیبا و جالب نبود؟! چرا ما هم نمی توانیم به

شرط آن که بخواهیم و قصد کنیم! البته نابرده رنج، گنج میسر نمی شود!



..... چاه نكن بهر كسي ...



..... بنويست استاد!



..... كارش كه چو اصدق به خورم!



..... ارزش اخلاق پند!



..... كاسه ي بلورين شكست!



..... سرمايه ي عمر را چگونه مصرف كنم!



..... چرا دروغ بگويم كه رسوا شويم؟!



..... اين ها همه از بركت صديق است!



..... راستي را قبول داريم؟!



..... اگر پرخيز نبود شايد ...

www.ketab.ir

حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

مَنْ كَثُرَ أَكَلُهُ قَلَّتْ صَحَّتُهُ،
وَقَلَّتْ عَلَيْهِ قَسَمَةُ مَوْتِهِ

«هر کس که خوراکش زیاد باشد
سلامتش کم شود و بار زندگی بر
دوش او سنگین گردد.»

غرر الحکم ۸۹۰۳

اگر پرهیز بود شاید ...

دو درویش از مردم خراسان با هم به سفر
می رفتند. یکی از آن ها بسیار ضعیف بود و
در شبانه روز فقط یک بار مقداری غذا می خورد.
درویش دیگر بسیار قوی و پرخور بود، او
در شبانه روز سه بار به طور مفصل غذا می خورد.
در راه به شهری رسیدند. نگهبانان شهر
فکر کردند که این دو نفر جاسوس دشمن هستند.
آن ها را دستگیر کرده و به دستور فرمانده ی
خود، ایشان را به زندانی دور افتاده و تنگ و
تاریک برده و در را به روی آن ها بستند. بعد از
دو هفته به یاد آن دو نفر افتادند. پس از بررسی
فهمیدند که آن ها جاسوس نیستند و بی گناه اند.

